

تشکر - هم فکری - سفنان - کلاس های - کتابخانه هی - بفندی - پراغانی - می دارند - همکاری -

هرف های - نقاشی - طرف - استفاده - اوین - علّاسی - همیشه - بنایی - پرگلی - امام - هواندن

پسرم متن را با نفّت بخوان و جای خالی را با کلمات مناسب پر کن.

مسجد محله های ما

هر دم محله های ما بسیار بودند. کار مسجد ، تازه تمام شده بود. هر دم می فواستند برای بار ، نماز را به جماعت در این مسجد بفوایند . مسجد شده بود . هوض مسجد پر از آب بود . مهدی با پدر و هادرش ، کلان های را که آورده بودند ، کنار هوض قرار دادند. پند نفر هم شیرینی و شربت به هر دم

بعد از نماز ، جماعت از همه کسانی که در ساختن مسجد ، گمک و گردید بودند ، کرد و گفت : « مسجد قانه هی خداست . وقتی برای به مسجد می آیم ، از هال یکدیگر با فبر می شویم و با ، می توانیم کارهای قوب و بزرگ انجام بدهیم . »

هنگامی که مهدی با پدر و هادرش از مسجد خارج می شدند ، مهدی رو به هادرش کرد و گفت : « من با دقت به پیش نمایگوش دادم . او بالتب بود . من فکر می کردم ، هر دم برای نماز هواندن به مسجد می آیند ، نمی دانستم که مسجد محله های ما آموزش قرآن ، رایانه ، و دارد .

در آنها قوبی نیز برای کودکان وجود دارد . هادر جان ! من هم دلم می فواهد در یکی از این کلاس ها ، شرکت کنم و از کتابخانه هی آنها کنم . » هادر و پدر ، به مهدی زدند و با هم به خانه رفتند.